بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده

* دکتر محمدصادق مهدوی
** حیب صبوری خسروشاهی

* استاد و عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی
mahadavi@cc.sbu.ac.ir

** مدرس دانشگاه آزاد اسلامی
HabibSabouri@hotmail.com
چکیده
پژوهش حاضر با ترکیب سه وجه از ساختار توزیع قدرت در خانوده، یعنی وجود تقارن رابطه، جوزه‌ی قدرت و نحوه برخورد زن و شوهر، میزان دموکراتیک و غیردموکراتیک بودن توزیع قدرت در خانوده را مورد مطالعه قرار داده است. این پژوهش با استفاده از روش پیماش و از طریق پرس‌وجو در سه منطقه‌ی ۳، ۶ و ۱۲ شهر تهران و با یک نمونه ۲۰۰۰ نفری انجام شده است. تکنیک‌های آماری مورد استفاده، آمارهای شاخص تمرکز و شت، همبستگی دومتغیر، همبستگی جزئی، تحلیل عاملی، رگرسیون چندمتغیری و تحلیل مسیر بوده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد ساختار قدرت در خانواده‌های جنوب شهر غیردموکراتیک و در شمال شهر دموکراتیک بوده است و عواملی نظیر سطح تحصیلات و اشتغال زنان، مشارکت زن در انتخاب همسر، باعث افزایش و متغیرهای نظیر تصور فرمان‌برانگیز زن از نقش خود و تصور افتادگرگیای شوهر، موجب کاهش دموکراتیک شدن خانواده می‌گردد.

کلیدواژه‌ها
ساختار قدرت، تقسیم قدرت، تقارن رابطه، جوزه‌ی قدرت، خانواده دموکراتیک

1. Symmetry
2. Area of Power
3. Couple Strategy
مقدمه

همیت مسئله

خانواده یکی از بنیادی‌ترین نهادهای اجتماعی است که در طول تاریخ بر
اثر عوامل گوناگون دستخوش تغییر شده است. تأثیر دگرگونی‌های اقتصادی–
اجتماعی جوامع بر نهادهای اجتماعی غیرقابل انکار است و خانواده نیز از این
تأثیر مستثنی نیست. یکی از این دگرگونی‌ها در ساخت خانواده، بالأخص
کنش متقابل میان زن و شوهر، تغییر در مفهوم نقش است. دگرگونی‌های
اجتماعی و تحول در الگوهای زندگی جوامع شهری و ورود زنان به اجتماع
موجب تغییر و تحول در نگرش افراد در توزیع نقش‌ها و به تبع آن توزیع
قدرت در خانواده شده است. تحقیقات تجربی بسیاری درباره توزیع قدرت و
پیامدهای آن در خانواده انجام شده است. خانواده کانونی است که در آن
چه‌گونگی توزیع و نحوه اعمال قدرت در شکل‌گیری و رشد شخصیت افراد
اجتماعی شدن فرزندان، عزت نفس، انسجام و حمایت احساس رضایت، احساس
پیگیری و تنهایی و خوش‌بختی زناشویی اثر می‌گذارد. چه‌گونگی تقسیم قدرت
در خانواده میان زن و شوهر، با کم و کیف خوش‌بختی زوجها و احساس
عادلات به بندر قدرت رابطه دارد (سالیپی، ۱۹۹۵).

با تغییرات اخیر و گذار چشمان از جامعه سنتی به جدید، توأم با
تغییرات مرتبط با شرایط وضع حقوقی، اقتصادی و اجتماعی زنان همراه به
که مسائل تازه‌ای را در محیط زندگی مطرح کرده است؛ تا جانی که هیل در
مطالعاتی که در سه نسل از خانواده (پسر، پدر و پدربردگ) داشته، به این
نتیجه رسیده که تغییر در رشد و توسعه اقتصادی موجب دگرگونی ارزش‌ها،
عرف و عادات خانوادگی می‌شود (ماشل، ۱۳۵۴). با نظر به این تغییرات در

1. Division of Power
2. Sabini
جوامع گذار نظیر کشور ما، ضرورت و اهمیت پژوهش حاضر بیشتر احساس می‌شود. چه این که زنان، دقیقاً به برداشت الگوهای رفتار سنتی از نقش خود بسته نکنند و انتظارات و نقش‌هایی جدید را بر خود مترتب بدانند.

هدف

از توضیحات فوق، مستلزم تحقیق در دو هدف اصلی و فرعی استنتاج شده و در پاسخ به این دو هدف است:

۱- هدف اصلی در پاسخ به چیستی است که توصیف و بیان مسئله است:

• ساختار توزیع قدرت در خانواده میان زن و شوهر چه‌گونه است؟

بدين میان، میزان دموکراتیک بودن خانواده چه قدر است؟

۲- هدف فرعی در پاسخ به چراپی این مسئله است:

• عوامل مؤثر بر کم و کیف دموکراتیک بودن خانواده در چیست؟

به طور خلاصه، هدف از این تحقیق، بررسی توزیع قدرت در خانواده‌های تهرانی از دید زنان و عوامل مؤثر بر آن است.

چارچوب نظری

در این بخش، به بررسی نظرات دریایی مفهوم قدرت می‌پردازیم. با توجه به نظرات موجود، مستلزم تحقیق را مجدداً بررسی و تحقیق نموده و چارچوب نظری مناسب برای تبیین مسئله انتخاب می‌کنیم. با استفاده از چارچوب نظری، فرضیه‌های اساسی تحقیق مشخص و متغیرها استخراج خواهندشد.
تعریف عام قدرت

معنای عام قدرت، توانایی کنترل بر اعمال سایر افراد علی‌رغم میل‌شان است (هورن، ۱۹۷۲ و برون، ۱۹۹۴). معنایی که جامعه‌شناسان برای تعريف قدرت به کار گرفته‌اند برحورتی از آن‌دیده‌ی ویژه است. ویر قدرت را رابط‌های اجتماعی می‌دانند که فرد در موقعیتی است که می‌تواند خواست خود را علی‌رغم هر مقاومتی اعمال کند (برون، ۱۹۸۳؛ بلومن، ۱۹۸۴ و بلا، ۱۹۶۴). بر اساس این تعريف می‌توان هسته‌ای اصلی قدرت را در «وادار کردن به رفتار علی‌رغم میل فرد» دید.

تعریف قدرت در خوشه‌ی خانواده

یکی از خوشه‌های کاربرد مفهوم قدرت در گروه‌های کوچک، در حوزه‌ی خانواده است. بسیاری از محققین توانایی بر روی مفهوم قدرت در خانواده ندارند، لیکن سرنوشت از اختلافات موجود، وجه تصوری گیری را به نمایندگی از مفهوم قدرت در خانواده به کار برده‌اند (آبوت، ۱۹۹۳ و ایسون، ۱۹۹۱). وقتی که می‌پرسیم چه کسی اعمال قدرت می‌کند، این امر متوسط تصمیم‌گیری‌ها در خانواده است (اولسون، ۱۹۶۹). ایسون براي مشاهده قدرت در خانواده به این ابعاد توجه می‌کند: قدرت تصمیم‌گیری در تبعیض موارد، قدرت تصمیم‌گیری در امور اجتماعی، قدرت تصمیم‌گیری در امور اقتصادی، و استقلال در خانواده. در حالی که فرانکس ۱ برای تعیین حوزه‌های قدرت در خانواده به ابعاد دیگری

1. Power
2. Horton
3. Browne
4. Blumen
5. Blau
6. Decision making
7. Abbott
8. Isavan
9. Olson
10. Franks
مطالعات زنان

اسراره می‌کند. از نظر وی، قدرت زن و شوهر در این جنگ حوزه‌های تصمیم‌گیری می‌باشد، بدن میکا که در زمینه‌های هزینه‌های مربوط به خانواده و تربیت فرزندان چه کسی حرف آخر را می‌زند. (فرانکس، 1972).

از طرفی، برخی از انجمن‌شناسان، براساس یافته‌ها، نحوه‌های اعمال قدرت و وادار کردن افراد به انجام امور در خانواده را طبقه‌بندی کرده‌اند (پیگنر، 1994).

در پاسخ به این سوال که «زمینه‌ی که همسرتان از شما می‌خواهد کاری را انجام دهد که شما تمایلی به انجام آن کار ندارید، چه می‌کنید؟»، پژوهش‌گران از طریق تحلیل آماری پاسخ‌ها، در مجموع برای وادار کردن افراد به طبقه‌بندی زیر رسیده‌اند:

۱- منابع زور و اجبار.
۲- استراتژی کاربرد منابع پاداش.
۳- استراتژی کاربرد منابع اطلاعات.
۴- استراتژی کاربرد منابع هنجار.

بیشتر محققین، بر اساس نوع روابطی که بین زن و شوهر در خانواده وجود دارد، آرایش الگوهای تصمیم‌گیری در خانواده را در چهار وجه تصمیم‌گیری از نوع تشکیک مساعی زن و شوهر در حل مسئله حوزه‌های مستقلانه‌های هر یک از زن و شوهر در تصمیم‌گیری، حامیت زن و حامیت شوهر، تقسیم کرده‌اند (فرانکس، 1972 و 1972، مادر، 1969). در نوع تشکیک مساعی، زن و شوهر هر یک درباره تصمیم‌های اصلی با یکدیگر گفتگو می‌کنند و به یک راه حل مشترک می‌رسند. در نوع حوزه‌های مستقلانه، هر یک مستقل‌ا در برخی از ابادا نظرات دارد، خصوصاً در تصمیم‌گیری‌های مربوط به نقش‌هایان بر اساس جنسیت عمل می‌کند. شوهر، تصمیم‌های مربوط به شغل و امور خود، و همسر، امور مربوط به خانه‌داری را اتخاذ می‌کند. در نوع حامیت زن

1. Final say
2. Wiggins
3. Synecratic
4. Autonomic
5. Wife dominant
6. Husband dominant
7. Blood
یا شوهر به صورت تاکید، تصمیم گیری‌های نهایی در خانواده توسط یکی از زن یا شوهر صورت می‌گیرد (همان‌معنی).
هم‌چنین، پاد معتقد است که بهترین و مطلوب‌ترین نوع تصمیم‌گیری‌ها، نه تنها باید بر اساس و صمیمانه باشد، بلکه با ایده دوستانه و یکسانی در بر گیرد (همان‌معنی).
تاورمنا بر منیا این که چه کسی تصمیم‌های اساسی و مهم‌اوجه در خانواده می‌گردد به سه گروه می‌باشد: گروهی حاکم، گروهی حاکم‌کننده و گروهی صرفه‌جویی (تاورمنا، 1978).
پویامدن گروه‌های ساختار خانواده را در سطوح زیر دیده‌است (پویانم، 1944):
۱- ساختار مستبدانه، پدر یا مادر بر فرزند صرفه‌جویی دیکته می‌کند و فرزند حق اظهارنظر ندارد.
۲- ساختار اقتدار گرایانه، پدر یا مادر به حرف فرزند گوش می‌دهد، اما خودشان تصمیم می‌گیرند.
۳- ساختار دموکراتیک، به فرزند فرصت کافی برای تصمیم‌گیری داده می‌شود. ولی تأیید تصمیم با اولیا است.
۴- ساختار مبنای بر برادری، سهم اولیا و فرزندان در تصمیم‌گیری به صورت مشارکت ۵۰ به ۵۰ می‌باشد.
۵- ساختار مخیل‌انه، فرزند نسبت به اولیا نفوذ به‌یابدی در تصمیم‌گیری‌ها دارد. به عبارتی، تصمیم فرزند مورد تمایل و تو اولیا قرار می‌گیرد.
البته، پاد نیز دو اگر به این سیستم‌های کنترل می‌افزاید (پویانم، 1973):
۶- یک گروه عدم مداخله و آزادانه، فرزند با خواسته‌های اولیا در تصمیم‌گیری مخالفت نشان می‌دهد.
۷- یک گروه اغماض، اولیا توجه به رفتار فرزندان شان نمی‌کنند.

1. Bowerman
2. Autocratic
3. Authoritarian
4. Democratic
5. Equalitarian
6. Permissive
7. Laizzez faire
پذیرشی که کیفی در ارتباط با ساختار قدرت در خانواده انجام داده، رویابین پدر و مادر و فرزندان را در آرایی تصمیم‌گیری‌ها با یکدیگر مورد ملاحظه قرار داده و سپس بر اساس حیطه‌های اعمال قدرت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به امور خانواده، اقدام به مقوله بندي و سنگشناشی شش گانه‌گي از ساختار قدرت در خانواده كرده‌است (کیچ، 1969):

1. قدرت مستقلانه‌ی پدر - تا حذی پدر به تنهايي تصمیم‌گیری‌ها است.
2. قدرت مستقلانه‌ی مادر - تا حذی مادر به تنهايي تصمیم‌گیری‌ها است.
3. قدرت فرزندان - تا حذی فرزندان به تنهايي تصمیم‌گیری‌ها اند.
4. قدرت مشارکتی پدر - تا حذی پدر و فرزندان در تصمیم‌گیری‌ها سهیم هستند.
5. قدرت مشارکتی مادر - تا حذی مادر و فرزندان در تصمیم‌گیری‌ها سهیم هستند.
6. قدرت مشارکتی - تا حذی پدر و مادر با فرزندان یا بدون فرزندان در تصمیم‌گیری‌ها سهیم هستند.

با توجه به نظریات طرح‌شده، می‌توان در نمونه‌ای چهارچوب، مسئله تحقیق را ارائه کرد.

نمودار 1- مسئله، ابعاد و عناصر آن

1. Ignoring
عوامل مؤثر بر قدرت در خانواده

در این بخش، به نظریاتی می‌پردازیم که به تبیین قدرت در خانواده و عوامل مؤثر بر آن توجه کرده‌اند و به عبارتی، به جرایی مسئله پاسخ می‌دهیم.

نتایج تفکیک نسبي‌ها

پارسونز بر پایه مطالعات بهز، معتقد است که دو عنصر عمده برای تشکیل خانواده وجود دارد که تفکیک بر مبنای جنسیت و تفکیک بر مبنای سن است. در این ارتباط، دلالی که مطرح می‌کند مرتبط با تفاوت‌های بيولوژیکی است، به طوری که زنان بر اساس خصوصیات جنسی (بازاری و شیرده)، نشان می‌دهند که با مردان متفاوت اند. از طرف دیگر، وی معتقد است که جوامع به نكات و اهميت اجتماعی آن توجه کرده و اکثر نظام‌های خانواده نقش‌های متفاوتی تعیین کرده‌اند (باد، 1972).

پارسونز ساختار خانواده را پی آمده تمایز‌پذیری و تفکیک در دو محور می‌بیند:

۱- محور سلسله‌مراتبی قدرت نسبی.

۲- محور نقش‌های ایزرا در مقابل احساسی-عاطفی.

بر اساس این تفکیک‌پذیری، پارسونز به چهار نوع تفسیب‌بندی بنیادی از نقش-پایگاه در خانواده‌های هسته‌ای می‌رسد (پارسونز، 1955:۲۳۲):

- نقش پدر- پدر دارای نقش ارتباط با دیگران است. هم دارای قدرت بالایی است و هم در خانواده، وجه ایزرا در دست او است؛ و از طرفی، نقش احساسی-عاطفی او نیز پایین است.

- نقش مادر- مادر دارای قدرت بالایی در وجه احساسی-عاطفی است و در نقش ایزرا از موقعیت پایینی برخوردار است.
3- نقش فرزند پسر از نظر قدرت در سطح پایین ولی دارای ویژگی ابزاری است.

4- نقش فرزند دختر از نظر قدرت در سطح پایین ولی دارای ویژگی احساسی-عاطفی است.

پارسونز معنی‌دار است که این تفکیک نقش‌ها با یکدیگر مرتبط است و قدرت محور این توانایی و تفکیک است که حاوی درجه‌ی نفوذ کمی است.
وی معتقد است که بزرگسالان در امور خانواده، به عنوان یک سیستم، بیش از کوچک‌ترها تأثیر می‌گذارند و با بزرگ شدن فرزندان در خانواده میزان قدرت فرزندان نیز افزوده می‌شود و نتایجی آن در مقابل خانواده کاهش می‌یابد.
ولی نکته اصلی، وجود ابزاری و احساسی-عاطفی است که ضرورتاً این تفکیک، حاوی کارکرد برای خانواده است (همان منبع) و از این ایفای نقش‌ها است که پارسونز برای زن نقش رهبری عاطفی یا کاریزماتیکی و برای مرد نقش رهبری اجرایی یا ابزاری قائل است (همان منبع). از این رو، وی ساخت نقشهای زن و مرد را به وظیفه‌شان در پارامترهای خانواده مربوط ساخته و مورد بررسی قرار می‌دهد. شوهر با داشتن شغل و درآمد، یک دسته از وظیفه‌های را بر عهده دارد و برایش زن‌گی شغلی او در خانواده است که نظام جامعه، شوهر را رهبر اصلی و وظیفه‌ای مادر را حفظ و حفظ و انگیزه خانواده می‌داند.

(میشل، ۱۳۶۴:۱۲۶).

دیدگاه فمینیست‌ها به توزیع قدرت در خانواده

یکی از دیدگاه‌های مهمی که در جامعه‌شناسی در مقابل دیدگاه کارکردهای قرار دارد، دیدگاه فمینیست‌ها (طرفداران حقوق زنان) می‌باشد که به‌شدت با نظریات کارکردهایان در ارتباط با توزیع قدرت و تفکیک نقش‌ها مخالف می‌باشد.

1. Feminist
اساس نظریه فمنیست‌ها در ناپایان جنسی، بر این اصل استوار است که معتقد اند زنان در جامعه در موقعیت ناپایان نسبت به مردان واقع شده‌اند. زنان به نسبت مردان دسترسی کمتری به منابع مالی، پایگاه اجتماعی، قدرت و فرصت برای خویشتنیابی در اجتماع دارند و این ناپایانی نتیجه سازماندهی جامعه است. به این که منشأ‌ آن بیولوژیکی یا تفاوت‌های شخصیتی.

در حوزه‌ی خانواده نیز، فمنیست‌ها معتقد اند که اساساً خانواده به سوی برای و تقارن نرفته‌است و بر این باور هستند که خانواده مکان ناپایانی است، جایی که زنان مطمع الت، و نقشه‌هاشان از پیش تعبین شده است. آنان بر این باور اند که دو ساختار بسته از تابعیت و فرمان‌برداری زنان در خانواده وجود دارد (ایبوت و والاس، ۱۹۹۳)

۱- موقعیت زنان به عنوان همسران و مادران.
۲- فرهنگ جامعه‌پذیری در خانواده.

این دو ساختار گرایشات جنسیت زن و مرد را در خانواده ویژه کرده، آن را به فرزندان انتقال می‌دهند و باعث دائمی شدن سلطه‌ی مرد و مطمع بودن زن می‌شود.

به اعتقاد این دیدگاه، انتخاب این که چه کسی بالی در خانه کاردب خیال برای مرایت فرزندان و کارهای خانه در منزل بماند، براساس ایده‌دموکراتی نشده‌ای جنسیت مطلوب است که از طریق عوامل بازار کار تقویت می‌شود. نقطه‌ی عزیمت این دیدگاه در این است که معتقد اند چگونگی توزیع منابع مالی در خانواده بستگی به روابط قدرت بین زن و شوهر دارد؛ و روابط قدرت به این امر برمی‌گردید که چه کسی حق تصمیم‌گیری دارد که چگونه و کجا پول خانواده صرف شود (همان منبع).

1. Gender inequality
2. Ritzer
تنوری مبادله

یکی از دیدگاه‌های مهمی که در جامعه‌شناسی به قدرت توجه کرده، روش مبادله است. تا آن‌جا که تئوری مبادله را از مفاهیم محوری تنوری مبادله به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اثری که در این زمینه و در اثر روش مبادله آرایه شده، کتاب مبادله و قدرت در زندگی اجتماعی تاریخ بلاد است. اساس نظریه مبادله درباره قدرت در این است که نابرابری در منابع توییابه‌ای به‌عنوان باعث تفاوت در قدرت در بین کنش‌گران می‌شود. بلاد همانند هومونتر، ماهرانی قدرت و ریشه آن را در ارائه خدمات ارزش‌داره می‌داند، به طوری که این مبادله نتیجه‌نشده در توازن است (والاس و ولف، ۱۹۸۴). یکی از اثرات اصلی قدرت فرآیند از روش مبادله در زمینه ارتباط با قدرت نسبی و عرضه خدمات در گروه‌های کوچک بالا در انتخابی است، مطالعات بلاد و ولف در زمینه توازن قدرت بین زن و شوهر بوده‌است (همامن، ۱۹۸۴). دیدگاه بلاد و ولف به نام نظریه‌ای مانند معرفه این نظریه بر اساس روش مبادله، توزیع قدرت بین زن و شوهر را در تصمیم‌گیری‌های تبیین می‌کند (بلاد، ۱۹۸۹). بنیاد این نظریه برای توزیع قدرت در خانواده بر حسب منابع است که هر یک از زن و شوهر در ازدواج به خانواده ایجادند. این منابع ارزش‌داره، به طور اختصاصی، شغل و قدرت مالی هر یک از زن و شوهر می‌باشد که به میزان برخوردی از این منابع دارای قدرت تصمیم‌گیری در خانواده هستند (باهر، ۱۹۹۴). البتک منابع ارزشی دیگری نیز مثل علاقه و وابستگی زوجین (گود، ۱۹۸۹) و جذابیت فرد برای همسر (ریتزر، ۱۹۷۹) دخیل هستند که در توزیع قدرت در تصمیم‌گیری در خانواده نقش مهمی دارد.

1. Exchange theory
2. Turner
3. Wallace & Wolf
4. Resource theory
5. Bahr
جامعه پذیرفتن جنسیت

جامعه‌پذیرافته فردی است که افزایش نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای مناسبی را به عنوان عضوی از یک قبیل فرهنگی، درونی می‌کند (شافر، 1994). در این باره، می‌توان نقش‌های جنسیت را به عنوان رفتارهای مورد انطباع، نگرش‌ها، وظایف و رجحان‌هایی که یک جامعه به هر جنس نسبت می‌دهد، تعریف کرد (کلر، 1994). این رفتار نه به دیدگاه تعامل‌گرایی نمادی نزدیک است.

اصول جامعه‌شناسی، عوامل جامعه‌پذیرافته را به چند بخش عمده تقسیم می‌کند: خانواده، مدارس و رسانه‌ها (وین، 1994). این عوامل، معمولاً از زنان تصویری مطبوع، منفی، عاطفی، واپسین و از مراکز تصویری مستقل، استوار، شایسته، توانا و مصمم ترسیم کرده‌اند (همان منبع). تا جانی که تحقیقات نشان داده، زنانی که در خانواده‌های مطبوع و فرمان‌بردار بوهداند، در خانواده‌های شوهر نیز مطمئنی اند. لذا جامعه‌پذیرافته عمیق است که نگرش افراد را درباره رفتار جنسی تحت تأثیر قرار می‌دهد (همان منبع). در این ارتباط، دیدگاه‌های جامعه‌پذیرافته و گراش‌های نقش، معتقد اند که رفتار و نقش مناسب برای مردان و زنان، تا حدی به آموزه‌های برپا گردید که در طول جامعه‌پذیرافته داشته‌اند (باست و استیتز، 1994).

بخشهای از قدرت تصمیم‌گیری در خانواده به کارکرد نقش‌های سنتی جنس مذکر و مؤثر بر می‌گردد (ربیترز، 1979). به اعتقاد ریتز، در صنف جامعه‌ئی، از زنان انتظار می‌رود که نسبت به مردان نقش مطبوع را باید کند. البته، تا حدی در صنف شرایط زنان نقش جنسی سنتی پایگاه مطبوع بودن را می‌پذیرند. این امر حتا در قلمرو کار و شغل نیز وجود دارد. بر اساس تحقیقاتی که در گروه‌های کاری انجام پذیرفت، نشان داده‌شدکه همان گونه که مردان به طور مستقل جامعه‌پذیرافته می‌شوند، به همان نسبت از نفوذ بیشتری

1. Socialization
2. South & Spitze
مطالعات زنان

نسبت به زنان بخوردار اند. در مقایل، زنان اعتمادبندی نفس کمتری دارند. در این ارتباط، زنان احساس وابستگی و انفعال بیشتری در حضور مردان می‌کنند (بو و همکاران، ۱۹۸۳). البته ریتر اضافه می‌کند که در شرایط افزایش این پایگاه مطعه بودن در این زوجها در حال تغییر است و ایده برابری جنسی این امر از نظر در حال رایج شدن است (ریتر، ۱۹۷۹) و ورود زنان به عرصه کار با عدم پذیرش نقش‌های جنسی ستی توأم است (ریتر و همکاران، ۱۹۷۵).

به اعتقاد سالی از دهه ۱۹۷۰ به بعد، خودآگاهی درباره نقشهای زناشویی بوده است که انتظارات نقشهای زناشویی نیز در این امور تغییر یافته است (سالی، ۱۹۸۰).

متغیرهای جمعیتی

دسته‌ی از متغیرهای جمعیتی مانند سن، فاصله‌ی سنی زوجین، تجربه‌ی شهرنشینی، مدت ازدواج و مرحله‌ی جرخه‌ی زندگی باعث خانواده و سن فرزندان، بر کمی و کيف توزیع و ساخت قدرت در خانواده تأثیر می‌گذارد (سالی، ۱۹۷۳ و بلاد، ۱۹۷۲).

خلاصه مباحث تئوریکی

پس از تعیین قدرت، هسته‌ی اصلی قدرت در «وادارگردن به رفتار» دیده‌شده است. کاربرد قدرت در سطح خرد در گروه‌ها مانند خانواده‌ی مورد ملاحظه قرار گرفت. خانواده به عنوان یک گروه تعاملات نسبتاً پایدار، حداکلی بین دو شخص وجود دارد که بخشی از تعاملات، روابط قدرت بین زوجین است. قدرت در خانواده دارای قلمرو و جوهرهای متفاوتی است؛ حوزه‌هایی که شامل امور اقتصادی، اجتماعی، تربیت فرزندان و ... می‌شود. همچنین ساخت

1. Pugh et al
2. Werner et al
3. Leslie
قدرت در خانواده مورد ملاحظه قرار گرفت و ساختار قدرت در خانواده به
چهار اگوی حاکمیت پدر، حاکمیت مادر، تشکیل در تصمیم‌گیری‌ها به وسیلهٔ
zوجین و جویزه‌های مشترک و چگالگی تصمیم‌گیری‌های تقسیم‌بندی شد، که دو
نوع اول و دوم ساختمان قدرت، حاوی روابط نامتقارن و نوع سوم و چهارم
می‌باشد. شیوه‌های اعمال قدرت به مجاباسازی و مجبورسازی
تقسیم‌بندی شده است.
به طور کلی، نتیجه‌هایی که برای تبیین قدرت در خانواده وجود دارد، عمداً
سه دسته است:

۱- نتایجی که بر تفکیک نشانده تأکید می‌کند و توزیع قدرت را در
حیطه و قابل نشان مورد بررسی قرار داده‌اند. مانند دیدگاه فنکسیونالیست‌ها
به‌خصوص نظریات پارسونز.

۲- نتایجی که بر حسب منابع ارزش‌مند در توزیع قدرت در خانواده
مورد توجه قرار گرفته‌اند. معرفی‌ترین نظریه‌پدیداران این دیدگاه، بلاد و‌ولف
می‌باشد که نظریه‌های آنان به نام «نتایج مبناه» معروف انتی و اساس و
اندیشه‌ای این نتایج نیز ریشه در ریشه‌ادارهٔ مبادله‌داده‌اند.

۳- دیدگاه سوم به نشان جامعه‌پذیری اشراق ایجاد و نیز به ایدئولوژی‌های
галبی که جامعه‌پذیری نشان کنند و اساساً تصویر و
رفتارهای جنسی را متأثر از قابل و شکل‌گیری جامعه‌پذیری می‌دانند، و در
قربان جامعه‌پذیری، آن‌ها را در دارای تصویری منفعل و مردان را فعال و مستقل,
ترسیم می‌کنند. می‌توان اساس این دیدگاه را بر اساس نظریات تعامل‌گرایی و
شکل‌گیری شخصیت افراد طبقه‌بندی کرد.

نظریات دیگری نیز درباره قدرت در خانواده وجود دارد مانند دیدگاه
تضاد و بالا‌الخص دیدگاه فنیست‌های مارکسیست که ریشه‌های نابرابری و توزیع
قدرت در خانواده را به ساختار جامعه ارجاع می‌دهند.
مدل تحلیلی

در اینجا با استفاده از چارچوب توریکی، فرضیه‌های اساسی تحقیق، متغیرها و روابط میان آنها در نمودار ۲ نشان داده شده است.

نمودار ۲- عوامل مؤثر بر ساختار توزیع قدرت در خانواده

در این مدل، در ارتباط با مسئله تحقیق دو نوع متغیر قابل تمیز می‌باشد:

۱- متغیر وابسته که در اینجا بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده است. همان طور که بحث شد، توزیع قدرت در خانواده از سه بعد تشکیل یافته است (نگاه کنید به نمودار ۱):

۱-۱- حوزه و قلمرو قدرت زن و شوهر در خانواده

۱-۲- ساخت قدرت در خانواده (الگوی تصمیم‌گیری)

۱-۳- شیوهی اعمال قدرت (استراتژی برجووردو) خانواده

۲- متغیرهای مستقل که در اینجا از رویافته‌های زیر استفاده شده‌اند:

سال اول، شماره ۲، نسخه و پایان ۱۳۸۲ مطالعات زنان ۴۲
۱- رهایت فنکسیونالیستی تپوری تفکیک نقش‌ها (نقش‌های ابزاری و نقش‌های احساسی).
۲- رهایت مبادله (تپوری منابع ارزش‌شناسی: منزلت شغلی، سطح تحصیلات، درآمد و تملك دارایی).
۳- رهایت جامع‌پذیری نقش‌های زن و شوبر (تصور زن از نقش فرمان برانگیز، تصور اقدامگرای شوبر نسبت به همسر، پذیرش اقتدار شوبر و رابطه زن در انتخاب همسر).
۴- متغیرهای دموگرافیک (مدت ازدواج، بعد خانواده، تجربه شهرنشینی، سن زن و شوبر و نوع خانواده).

فرضیه‌های محوری تحقیق
در اینجا، بر اساس چارچوب نظری مدل آمده در نمودار ۲ به فرضیات محوری اشاره شده است:
۱- میان برخورد از منابع ارزش‌شناسی و ساخت قدرت رابطه وجود دارد.
۲- بین نوع جامع‌پذیری نقش‌های زن و شوبر و ساخت قدرت تفاوت وجود دارد.
۳- بین توزیع نقش‌های زن و شوبر (نحوه تقسیم کار) و ساخت قدرت رابطه وجود دارد.
۴- متغیرهای جمعیتی از جمله متغیرهای هستند که دارای هم تغییری با توزیع و ساخت قدرت در خانواده است.

روش تحقیق
این تحقیق به روش پیش‌آمیش اجتماعی، انجام گرفته‌است و واحد تحلیل در آن، خانواده است. به عبارتی، واحد اجتماعی و عنصر بسیط، خانواده (قدرت در

1. Social Survey
2. Social unit
خانواده) و سطح مشاهده، فرد می‌باشد. ابتدا، منابع موجود در این زمینه به روش اسنادی و بررسی ادبیات موضوعی جمع‌آوری شده و سپس چارچوب نظری تهیه گردیده‌است. همچنین، متغیرها و شاخص‌های مستقله بر اساس چارچوب نظری تعیین، و اطلاعات مورد نیاز به‌وسیله‌ی پرسشنامه تکمیل شده‌است.

نحوه‌ی سنجش و آزمون هر یک از متغیرهای تحقیق با استفاده از سوالات بارز و بسته، طبقه‌بندی مجموع نمونه و مقیاس لیکرت بوده و با توجه به سطح سنجش هر یک از آزمون‌های آماری مربوط به کار گرفته‌شده‌است. پس از تهیه‌ی پرسشنامه‌ی مقدماتی و پیش‌آزمون آن، پرسشنامه‌ی نهایی تدوین شد.

جامعه‌ی آماری این تحقیق پناه به ضرورت موضوع و مسئله، شامل زنان متأهل دارای حداقل یک فرزند بوده است. حجم نمونه با توجه به امکانات مالی و زمانی و در نظر گرفتن آزمون‌های آماری، ۲۰۰ آزمونی انتخاب شده‌است. شباهت نمونه‌گیری، بر اساس نمونه‌گیری با احتمال متناسب با حجم خوشه‌ی بوده‌است و نمونه‌ی ۲۰۰ نفری از مناطق ۳ (شمال)، ۶ (مرکز) و ۱۶ (جنوب) تهران انتخاب شده‌است. مراحل انتخاب نمونه با تجزیه مناطق به نواحی، نواحی به محله‌ها، محله‌ها به بلوک‌ها، بلوک‌ها به خیابان‌ها و نهایتاً به کوچه‌ها و مناطق انتخاب شده‌است.

پس از انجام تحقیقات مقدماتی و آزمون رویه طیفی‌ها، اطلاعات مورد نظر در پرسشنامه‌ی نهایی گردآوری شد و پس از این مراحل، اطلاعات جمع‌آوری شده استخراج و در قابلیت مانیتوری داده‌ها تنظیم گردید. در مرحله‌ی SPSS، بعد اطلاعات موجود با استفاده از نرم‌افزار آماری سنجش، در دو سطح توصیف شامل شاخص‌های تشتت و تمرکز، و تحلیل شامل ضرایب همبستگی، معادله‌ی رگرسیونی، تحلیل عاملی و تحلیل مسیر بردازش گردید.

---
1. Level of observation
2. P.P.S
یافته‌های تحقیق

ابتدا توزیع فراوانی ویژگی‌های جمعیتی خانواده‌ها ارائه می‌شود. در مرحله دوم، ساختار توزیع قدرت در خانواده و ابعاد آن تشریح و سپس روابط متغیرهای مستقل با متغیر وابسته مورد ملاحظه قرار گرفت و نهایتاً عوامل مؤثر بر مسئله بررسی می‌گردد.

ویژگی‌های جمعیتی خانواده‌ها

ویژگی‌های جمعیتی پاسخ‌گویان که ۲۰۰ نفر بودند در جدول‌های ۱ و ۲ آمده‌اند.

جدول ۱ - بعد خانواده

<table>
<thead>
<tr>
<th>درصد</th>
<th>بعد خانواده (نفر)</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>۴۶٪</td>
<td>۳-۴</td>
</tr>
<tr>
<td>۳۹٪</td>
<td>۵-۶</td>
</tr>
<tr>
<td>۱۱/۵٪</td>
<td>۷-۸</td>
</tr>
<tr>
<td>۳/۵٪</td>
<td>۹ و بیشتر</td>
</tr>
</tbody>
</table>

جدول ۲ - مدت ازدواج

<table>
<thead>
<tr>
<th>درصد</th>
<th>مدت ازدواج (سال)</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>۹٪</td>
<td>۰-۵</td>
</tr>
<tr>
<td>۱۱/۵٪</td>
<td>۶-۱۰</td>
</tr>
<tr>
<td>۱۶٪</td>
<td>۱۱-۱۵</td>
</tr>
<tr>
<td>۱۸٪</td>
<td>۱۶-۲۰</td>
</tr>
<tr>
<td>۱۱/۵٪</td>
<td>۲۱-۲۵</td>
</tr>
<tr>
<td>۱۳٪</td>
<td>۲۶-۳۰</td>
</tr>
<tr>
<td>۳/۵٪</td>
<td>۳۱ و بالاتر</td>
</tr>
</tbody>
</table>
جدول 3 - مدت اقامت در تهران

<table>
<thead>
<tr>
<th>مدت اقامت (سال)</th>
<th>درصد</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>0-1</td>
<td>24%</td>
</tr>
<tr>
<td>1-10</td>
<td>12%</td>
</tr>
<tr>
<td>11-20</td>
<td>3%</td>
</tr>
<tr>
<td>21-30</td>
<td>5%</td>
</tr>
<tr>
<td>31-40</td>
<td>3%</td>
</tr>
<tr>
<td>41-50</td>
<td>18/5%</td>
</tr>
<tr>
<td>51 و بالاتر</td>
<td>6/5%</td>
</tr>
</tbody>
</table>

جدول 4 - فاصله سنی زن و شوهر

<table>
<thead>
<tr>
<th>فاصله سنی (سال)</th>
<th>درصد</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>همسن</td>
<td>8%</td>
</tr>
<tr>
<td>1-5</td>
<td>1/5%</td>
</tr>
<tr>
<td>6-10</td>
<td>1/5%</td>
</tr>
<tr>
<td>11-15</td>
<td>1/4%</td>
</tr>
<tr>
<td>16 و بالاتر</td>
<td>1/5%</td>
</tr>
</tbody>
</table>

در عرف چون شوهر بزرگتر از زن است، مبدأ فاصله سنی بر اساس سن شوهر است. رده‌بندی اول نشان می‌دهد که 8% از شوهران همسن و یا کم‌سالتر از همسرانش هستند و رده‌بندی دیگر فاصله‌های بزرگی شوهر از همسران را نشان می‌دهد.

جدول 5 - وضعیت خانواده از حيث محل زندگی

<table>
<thead>
<tr>
<th>وضعیت محل زندگی</th>
<th>درصد</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>نوکمکی</td>
<td>28/5%</td>
</tr>
<tr>
<td>پدرمکاتی</td>
<td>18/5%</td>
</tr>
<tr>
<td>مادرمکاتی</td>
<td>3%</td>
</tr>
</tbody>
</table>

روی‌هم‌رفته، می‌توان یاد کرد که ویژگی‌های گروهی خانواده‌های تهرانی (بعد خانواده، فاصله سنی زوجین، مدت ازدواج، مدت اقامت در تهران و وضعیت
ساختم توزیع قدرت در خانواده‌های نهراتی

در بخش جارچوب نظری، ساختم توزیع قدرت (میزان دموکراتیک بودن) تشريح و تعریف شد. این مفهوم در جویی خانواده در سه وجه مورد توجه قرار گرفت و عناصر و اجزای آن به آباد و زیر تجزیه گردید.

۱- ساخت قدرت در خانواده (میزان تقارن روابط).
۲- حوزه و قلمرو قدرت زن و شوهر در خانواده (میزان قدرت زن در خانواده).
۳- شیوه اعمال قدرت در خانواده (میزان مجاب‌سازی از سوی شوهر).

ساخت قدرت در خانواده

همان گونه که در قسمت چارچوب و روی اشاره شد منظور از ساخت قدرت در خانواده، ویژگی یکسوسویه (نامتقارن) و دوویه (متقارن) بودن قدرت در خانواده می‌باشد و به عبارتی، اگر هنگام تشریک مساعی زن و شوهر در تصمیم‌گیری در امور زندگی مورد بررسی قرار گرفت، با استفاده از مقياس مجموع نمرات، برای سنگی میزان تقارن روابط در خانواده ساخته شد. این مقياس حاوی دوازده گویه مثبت و منفی است. اگر به جمع‌بندی پیش‌نهایدی از گویه‌های جدول ۶ توجه شود، تمام گویه‌ها در سه مقوله جای گرفته‌اند. به نظر می‌رسد به طور عام، در خانواده تبادل نظر برای تصمیم گیری‌ها وجود دارد و در اینجا ساخت روابط قدرت متقارن است (گویه‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶ و ۱۰). اگر به حساب‌رسی گویه‌های ۷ و ۸ و ۱۲ توجه شود، این گویه‌ها نمایان گر رابطه‌ی نامتقارن است که چرا که «کسب اجراز از شوهر» و حرف آخر توسط شوهر نش محاوری تری در روابط قدرت در خانواده دارد.
لذا شاید بتون با احتیاط گفت هنوز الگوهاست (نقش شوهر در تصمیم‌گیری‌ها) پایبرد است.

جدول ۶- نتایج مربوط به اظهارات پاسخگویان درباره هر یک از گوهای میزان تقارن (ساخت قدرت) در خانواده‌های تهرانی

<table>
<thead>
<tr>
<th>هزینه ساخت روابط قدرت</th>
<th>وزن طرف</th>
<th>معیار</th>
<th>درصد</th>
<th>ساخت قدرت</th>
<th>معیار</th>
<th>درصد</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>۱</td>
<td>۹</td>
<td>۹</td>
<td>۳۱/۵</td>
<td>۳۱/۵</td>
<td>۱۱</td>
<td>۳۱/۵</td>
</tr>
<tr>
<td>۲</td>
<td>۹</td>
<td>۹</td>
<td>۳۱/۵</td>
<td>۳۱/۵</td>
<td>۱۱</td>
<td>۳۱/۵</td>
</tr>
<tr>
<td>۳</td>
<td>۹</td>
<td>۹</td>
<td>۳۱/۵</td>
<td>۳۱/۵</td>
<td>۱۱</td>
<td>۳۱/۵</td>
</tr>
<tr>
<td>۴</td>
<td>۹</td>
<td>۹</td>
<td>۳۱/۵</td>
<td>۳۱/۵</td>
<td>۱۱</td>
<td>۳۱/۵</td>
</tr>
<tr>
<td>۵</td>
<td>۹</td>
<td>۹</td>
<td>۳۱/۵</td>
<td>۳۱/۵</td>
<td>۱۱</td>
<td>۳۱/۵</td>
</tr>
<tr>
<td>۶</td>
<td>۹</td>
<td>۹</td>
<td>۳۱/۵</td>
<td>۳۱/۵</td>
<td>۱۱</td>
<td>۳۱/۵</td>
</tr>
<tr>
<td>۷</td>
<td>۹</td>
<td>۹</td>
<td>۳۱/۵</td>
<td>۳۱/۵</td>
<td>۱۱</td>
<td>۳۱/۵</td>
</tr>
<tr>
<td>۸</td>
<td>۹</td>
<td>۹</td>
<td>۳۱/۵</td>
<td>۳۱/۵</td>
<td>۱۱</td>
<td>۳۱/۵</td>
</tr>
<tr>
<td>۹</td>
<td>۹</td>
<td>۹</td>
<td>۳۱/۵</td>
<td>۳۱/۵</td>
<td>۱۱</td>
<td>۳۱/۵</td>
</tr>
<tr>
<td>۱۰</td>
<td>۹</td>
<td>۹</td>
<td>۳۱/۵</td>
<td>۳۱/۵</td>
<td>۱۱</td>
<td>۳۱/۵</td>
</tr>
<tr>
<td>۱۱</td>
<td>۹</td>
<td>۹</td>
<td>۳۱/۵</td>
<td>۳۱/۵</td>
<td>۱۱</td>
<td>۳۱/۵</td>
</tr>
<tr>
<td>۱۲</td>
<td>۹</td>
<td>۹</td>
<td>۳۱/۵</td>
<td>۳۱/۵</td>
<td>۱۱</td>
<td>۳۱/۵</td>
</tr>
</tbody>
</table>
برای یافتن میزان تقارن در مجموع در خانواده، نمرات هر گویه را برای هر یک از پاسخ‌گوینان جمع نمودیم تا شاخص میزان تقارن در خانواده به دست آید. نتایج به‌دست‌آمده از شاخص مذكور در جدول ۷ نشان داده شد است. همان گونه که جدول نشان می‌دهد، ۳۴% از خانواده‌ها دارای تقارن زیاد و خیلی زیاد، ۲۴% در حالت بین‌بینی و ۱۰% دارای تقارن کم و خیلی کم می‌باشند.

جدول ۷- شاخص میزان تقارن در خانواده‌های تهرانی

<table>
<thead>
<tr>
<th>میزان تقارن</th>
<th>بسیار زیاد</th>
<th>زیاد</th>
<th>تا حدودی</th>
<th>کم</th>
<th>بسیار کم</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>فرصتی</td>
<td>۱۷</td>
<td>۵۱</td>
<td>۷۲</td>
<td>۱۸</td>
<td>۵۱</td>
</tr>
<tr>
<td>درصد</td>
<td>۸/۷۵</td>
<td>۴/۷۵</td>
<td>۲/۷۵</td>
<td>۰/۷۵</td>
<td>۴/۷۵</td>
</tr>
</tbody>
</table>

میانگین = ۲/۷۵
حداقل = ۱/۷۵
انحراف استاندارد = ۱/۴۵
ضریب آلفا = ۰/۷۹

جویه و قلمرو قدرت در خانواده

با استفاده از مقیاس مجموع نمرات، ابزاری برای سنگش حوزه‌های قدرت (شوقرمحور) در تصمیم‌گیری خانواده ساخته شد. این مقیاس حاوی تعدادی گویه می‌باشد که مرتبط است با حوزه‌های تصمیم‌گیری زوج در امور زندگی مطالب تعریف حوزه‌های تصمیم‌گیری بین زن و شوهر در سه زیرمجموعه امور اقتصادی، اجتماعی و تغییر موابل مفهومی‌سازی شد. جدول ۸ نظارت پاسخ‌گویان را درباره‌ی هر یک از حوزه‌های تصمیم‌گیری زن و شوهر در امور زندگی نشان می‌دهد. این جدول به اندازه‌ی کافی گویا است و نشان می‌دهد که حوزه‌های قدرت بین زن و شوهر از حوزه‌های تصمیم‌گیری بیشتر تفاوت دارد. به عبارتی، در امور اقتصادی، نظر جایگاه منزل و صرف منابع مالی خانواده، مردان نسبت به زنان نقش بیشتری در تصمیم‌گیری‌ها دارند.
جدول ۸- نتایج مربوط به اظهارات پاسخگویان درباره هر یک از خواص‌های تنظیم‌گری بین زن و مرد (N = ۱۵)

<table>
<thead>
<tr>
<th></th>
<th>فرد زن</th>
<th>فرد مرد</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>۱</td>
<td>عوض کردن منزل</td>
<td>۷/۵۵</td>
</tr>
<tr>
<td>۲</td>
<td>خودروی مصرف دخ و خرج روزانه</td>
<td>۴/۸</td>
</tr>
<tr>
<td>۳</td>
<td>خرید مانیس</td>
<td>۶/۱</td>
</tr>
<tr>
<td>۴</td>
<td>تهیه خرید، خیمه و تلویزیون</td>
<td>۲/۹۵</td>
</tr>
<tr>
<td>۵</td>
<td>رفت و آمد اعضا</td>
<td>۹/۸</td>
</tr>
<tr>
<td>۶</td>
<td>مهمات کردن در منزل</td>
<td>۶/۵</td>
</tr>
<tr>
<td>۷</td>
<td>تهیه خرایک (پخت‌ویزی)</td>
<td>۳/۱</td>
</tr>
<tr>
<td>۸</td>
<td>انتخاب اسم برای فرزندان</td>
<td>۶/۸</td>
</tr>
<tr>
<td>۹</td>
<td>دیر مدت فرزند و بازخوانست کردن</td>
<td>۸</td>
</tr>
<tr>
<td>۱۰</td>
<td>تهیه فرزند در صورت مرگ</td>
<td>۱۱/۸</td>
</tr>
<tr>
<td>۱۱</td>
<td>استفاده از تلویزیون و برنامه‌ها</td>
<td>۵/۵</td>
</tr>
<tr>
<td>۱۲</td>
<td>ازدواج فرزند با فرد مورد نظر</td>
<td>۵/۸</td>
</tr>
<tr>
<td>۱۳</td>
<td>تکمیل‌گری در مورد تعداد فرزند</td>
<td>۸/۷</td>
</tr>
<tr>
<td>۱۴</td>
<td>تعیین فاصله سنی بین فرزندان</td>
<td>۱۰/۲</td>
</tr>
</tbody>
</table>

برای یافتن میزان شوهرمحوری در مجموع در خانواده، نمرات هر یک از گویه‌ها را برای هر یک از پاسخ‌گویان جمع نمود. در نتیجه، این شاخه به دست آید. نتایج به دست آمده از شاخه مذكور در جدول ۹ نشان می‌دهد که میزان شوهرمحوری در خانواده‌های تهرانی ۱۷٪ زیاد و خیلی زیاد، ۴۶٪ متوسط و ۱۹٪ کم و خیلی کم می‌باشد.
جدول 9- شاخص میزان شوهرمحوری در جوهرهای تصمیم گیری امور زندگی در خانوادهای تهربندی

<table>
<thead>
<tr>
<th>شوهر محوری</th>
<th>تعداد کم</th>
<th>پیش‌کلاس کم</th>
<th>جمع</th>
<th>پیش‌کلاس کم</th>
<th>تعداد زیاد</th>
<th>پیش‌کلاس زیاد</th>
<th>فراوانی</th>
<th>درصد</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td></td>
<td>100</td>
<td>1</td>
<td>2</td>
<td>1</td>
<td>4</td>
<td>2</td>
<td>2</td>
<td>17</td>
</tr>
<tr>
<td></td>
<td>200</td>
<td>0</td>
<td>3</td>
<td>0</td>
<td>3</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>17</td>
</tr>
<tr>
<td>میانگین</td>
<td>0/17</td>
<td>0/017</td>
<td>0/2</td>
<td>0/017</td>
<td>0/17</td>
<td>0/017</td>
<td>0/3</td>
<td>0/17</td>
</tr>
<tr>
<td>حداقل</td>
<td>0/17</td>
<td>0/017</td>
<td>0/2</td>
<td>0/017</td>
<td>0/17</td>
<td>0/017</td>
<td>0/3</td>
<td>0/17</td>
</tr>
<tr>
<td>احراز استاندارد</td>
<td>0/51</td>
<td>0/051</td>
<td>0/3</td>
<td>0/051</td>
<td>0/51</td>
<td>0/051</td>
<td>0/9</td>
<td>0/51</td>
</tr>
</tbody>
</table>

شیوه‌ی اعمال قدرت در خانواده

برای سنجش میزان مجاب‌سازی شوهر در شیوه‌ی اعمال قدرت با همسر، 100 گویه طرح و به پاسخ‌های آناره گردید که تناوب در جدول 10 دیده می‌شود.

جدول 10- نتایج مربوط به اظهارات پاسخ‌گوینان درباره میزان مجاب‌سازی از سوی شوهر (0/00 = 6)

<table>
<thead>
<tr>
<th>وزن طبقه‌بندی</th>
<th>1</th>
<th>2</th>
<th>3</th>
<th>4</th>
<th>5</th>
<th>6</th>
<th>7</th>
<th>8</th>
<th>9</th>
<th>10</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>گویه‌های شیوه‌ی اعمال قدرت</td>
<td>3/81</td>
<td>2/5</td>
<td>2/4</td>
<td>2/5</td>
<td>3/5</td>
<td>3/2</td>
<td>3/3</td>
<td>3/6</td>
<td>3/8</td>
<td>0/0</td>
</tr>
<tr>
<td>1/6/5</td>
<td>2</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
</tr>
<tr>
<td>1/5/6</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
</tr>
<tr>
<td>1/4/5</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
</tr>
<tr>
<td>1/3/5</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
</tr>
<tr>
<td>1/2/5</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
</tr>
<tr>
<td>1/1/5</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
</tr>
<tr>
<td>1/0/5</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
</tr>
<tr>
<td>0/9/5</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
</tr>
<tr>
<td>0/8/5</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
</tr>
<tr>
<td>0/7/5</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
</tr>
<tr>
<td>0/6/5</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
</tr>
<tr>
<td>0/5/5</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
</tr>
<tr>
<td>0/4/5</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
</tr>
<tr>
<td>0/3/5</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
</tr>
<tr>
<td>0/2/5</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
</tr>
<tr>
<td>0/1/5</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
</tr>
<tr>
<td>0/0/5</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
</tr>
</tbody>
</table>

در زندگی مشترک‌های خیلی کم اتفاق افتاده که با عصبانیت آمیز کاری را بخواهد.
همان طور که شاخص (جدول 11) نشان می‌دهد، میزان مجابسازی شوهر در شیوه‌ی اعمال قدرت در خانواده‌های تهرانی، ۴۴٪ زیاد و خیلی زیاد، ۲۷/۵٪ متوسط و ۲۷/۵٪ کم و خیلی کم می‌باشد. ارقام نشان می‌دهد و جه‌غالب در شیوه‌ی اعمال قدرت خانواده‌ها، بیشتر وجه مجابسازی است.

جدول 11- شاخص میزان مجابسازی شوهر در خانواده‌های تهرانی

<table>
<thead>
<tr>
<th>مجابسازی</th>
<th>پیشرفت کم</th>
<th>تا حدودی</th>
<th>زیاد</th>
<th>فراوانی</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>جمع</td>
<td>۲۰۰</td>
<td>۳۲</td>
<td>۵۷</td>
<td>۳۵</td>
</tr>
<tr>
<td>درصد</td>
<td>۲۰۰٪</td>
<td>۱۶٪</td>
<td>۲۸٪</td>
<td>۱۷/۵٪</td>
</tr>
</tbody>
</table>

میانگین = ۳/۲۴
انحراف استاندارد = ۷/۲۰
تعداد گویه = ۱۰۰

شاخص کل ساختار توزیع قدرت در خانواده

اگون در اینجا مناسب است پس از بررسی شاخص‌های ابعاد سه‌گانه‌ی ساختار توزیع قدرت (میزان تقارن نوازی، میزان شوهرمحوری، میزان مجابسازی) به تجمع سه بعد متغیر وابسته پرداخته و شاخص کل ساختار توزیع قدرت (میزان دموکراتیک بودن) در خانواده‌های تهرانی بررسی شود. برای این منظور، ابتدا نمره‌های هر یک از گویه‌های ابعاد سه‌گانه‌ی متغیر وابسته را با یکدیگر جمع کرده تا نمره‌ی هر یک از پاسخ‌گویان را برحال کل شاخص به دست آوریم.

جدول 12 نشان می‌دهد که میزان دموکراتیک بودن خانواده‌های تهرانی ۲۷/۵٪ درصد زیاد و خیلی زیاد، ۳۹٪ درصد متوسط و ۲۴٪ درصد کم و خیلی کم است.

جدول 12- شاخص میزان مجابسازی شوهر در خانواده‌های تهرانی

<table>
<thead>
<tr>
<th>دموکراتیک بودن</th>
<th>پیشرفت کم</th>
<th>تا حدودی</th>
<th>زیاد</th>
<th>فراوانی</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>جمع</td>
<td>۴۰۰</td>
<td>۸۹</td>
<td>۶۷</td>
<td>۲۸</td>
</tr>
<tr>
<td>درصد</td>
<td>۹۰/۰٪</td>
<td>۲۲/۵٪</td>
<td>۱۶/۵٪</td>
<td>۵/۰٪</td>
</tr>
</tbody>
</table>

میانگین = ۲/۵۰
انحراف استاندارد = ۷/۰۴
تعداد گویه = ۱۰۰
نمونه‌ ۳: نیز میزان دموکراتیک بودن خانواده‌ها را بر حسب منطقه نشان می‌دهد.

نمونه‌ ۳- میزان دموکراتیک بودن خانواده‌های تهرانی بر حسب منطقه

همبستگی متغیرهای مستقل با شاخص کل میزان دموکراتیک بودن خانواده‌ها

جدول ۱۳: ضرایب همبستگی دو مدل متغیرهای مستقل با میزان دموکراتیک بودن خانواده‌ها

۱- تصویر اقدارگرایی شوهر نسبت به همسر- میزان همبستگی این متغیر با دموکراتیک بودن خانواده‌ها ۰/۷۵ است. به همراه رابطه معنوی، شدت رابطه قوی و در سطح ۰/۰۰۰ معنی‌دار است. احتمال اینکه این نمونه از جمعیت تحقیق آماده باشد زیاد است. همبستگی بین این دو متغیر نشان می‌دهد نرخ اقتصاد کنونی تصور و انتظار مدرن و فرمایش بودن میزان دموکراتیک بودن خانواده کمتر است. به عبارتی، این همبستگی نشان می‌دهد که نقش تجربی‌پذیر مردان، شکل‌گیری شخصیت و تصور آن‌ها نسبت به فرمایش بودن زنان بسیار حائز اهمیت است. این پدیده‌ها معمولاً موجب تقویت رفتار می‌شود.
جدول 13- ضرایب همبستگی دو بعدی متغیرهای مستقل
با میزان دموکراتیک بودن خانواده

<table>
<thead>
<tr>
<th>متغیرهای مستقل</th>
<th>سطح معناداری</th>
<th>همبستگی</th>
<th>تعداد نمونه</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>1- تصویر اقتدارگرای شهوت نسبت به همسر</td>
<td>R = -0.75</td>
<td>200</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>2- تصویر زن از نقش فرمانبرانه خود</td>
<td>R = 0.33</td>
<td>200</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>3- پذیرش اقتدار شهوت</td>
<td>S = 0.10</td>
<td>200</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>4- مشارکت زن در انتخاب همسر</td>
<td>E = 0.79</td>
<td>200</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>5- تحصیلات مرد</td>
<td>R = 0.39</td>
<td>198</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>6- تحصیلات زن</td>
<td>R = 0.27</td>
<td>197</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>7- منزلت شغلی مرد</td>
<td>R = 0.19</td>
<td>200</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>8- منزلت شغلی زن</td>
<td>R = 0.10</td>
<td>36</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>9- درآمد مرد</td>
<td>R = 0.35</td>
<td>182</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>10- اشتغال زن</td>
<td>R = 0.37</td>
<td>199</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>11- مالکیت منزل</td>
<td>R = 0.35</td>
<td>193</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>12- بعد خانواده</td>
<td>R = 0.33</td>
<td>142</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>13- مدت ازدواج</td>
<td>R = -0.10</td>
<td>199</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>14- فاصله سنی زن از شهوت</td>
<td>R = -0.20</td>
<td>200</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>15- نوع خانواده</td>
<td>R = 0.15</td>
<td>196</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>16- منطقه زندگی</td>
<td>E = 0.54</td>
<td>200</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>17- مدت اقامت در تهران</td>
<td>R = 0.07</td>
<td>162</td>
<td></td>
</tr>
</tbody>
</table>

دامنه تغییرات: Pearson: R 1-1 ≤ 1 Spearman: S -1 ≤ 1 ≤ 1 Eta: E 1-0 ≤ 1

2- تصویر زن از نقش فرمانبرانه خود- میزان همبستگی این متغیر با دموکراتیک بودن خانواده‌ها 0.73- است. چه بحث رابطه معکوس، گفته رابطه متوسط و در سطح 0.73- معنی‌دار است. احتمال این که این رابطه از جمعیت تحقیق آماده باشد زیاد است. همبستگی بین این دو متغیر نشان می‌دهد که هر چقدر زن تصویر فرمانبرانه‌تری از خود در مقابل شوهرش
داشت‌پایش، میزان دموکراتیک بودن خانواده کمتر است. به عبارتی، این همپستگی نشان می‌دهد تصویری که زنان از نقش خود ترسیم می‌کنند (مانند مطبع بودن، فرمانبر و منفعل بودن) عاملی مهم در کم و کیف ساخت قدرت در خانواده‌ها است.

3- پذیرش افتخار هوش - میزان همپستگی این متغیر با دموکراتیک بودن خانواده بسیار کم است. به عبارتی، رابطه‌ی بین این دو متغیر ضعیف است و احتمال انکه از جمعیت تحقیق آماده باشد کم است (P = 0.108/0).

4- مشارکت زن در انتخاب همسر - بین این متغیر و میزان دموکراتیک بودن خانواده تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به عبارتی، زنانی که در خانواده‌ی پدری حق تصمیم‌گیری برای انتخاب همسر خود داشته‌اند، در خانواده‌ی هوش می‌باشند. ساخت قدرت صیب‌های دموکراتیک‌تری به خود گرفته‌است. در واقع، می‌توان گفت حضور عالی و مشارکت زنان در انتخاب همسر، اثر جامعه‌پذیری زنان را نشان می‌دهد. میزان رابطه 1/29/ است و در سطح 0/000/ = P معنی‌دار است.

5- تحقیقات مرد - میزان همپستگی این متغیر با دموکراتیک بودن خانواده 0/29/ است. جهت رابطه مستقیم، شدت رابطه متوسط و در سطح 0/000/ = P معنی‌دار است. به عبارتی، با افزایش سطح تحقیقات مرد، میزان دموکراتیک شدن خانواده بیشتر می‌شود. این همپستگی که بیمار حالت اهمیت است، نشان می‌دهد با افزایش سطح تحقیقات مرد، احتمالاً افزایش تقدیس دموکراتیک بیشتر می‌شود. از طرفی، افزایش سواد مرد موجب تغییر نگرش او نسبت به الگوهای سنتی رفتار می‌گردد. این الگوها نقش خاص برای مردان قائل اندازه‌سازی دگرگونی از جلو می‌دهند، بدرین اعتبار که زنان پاسخ متمایل به ازدواج با مردان باسواد هستند. در این میان، یکی از ارزش‌های والدین پاسواد، تقدیس و ارج نهادن به ارزش‌های دموکراتیک است.

6- تحقیقات زن - میزان همپستگی این متغیر با دموکراتیک بودن خانواده 0/27/ است. جهت رابطه مثبت، شدت رابطه متوسط و در سطح 0/000/ = P
مقاله‌های زنان

معنی‌دار است. به عبارتی، با افزایش سطح تحصیلات زن، ما شاهد افزایش دموکراتیک در خانواده هستیم. از سویی، سطح تحصیلات زن به عنوان یک منبع ارزش‌بار نقش بسیار محوری دارد و از سوی دیگر موجب تغییر نگرش زنان می‌شود.

7- منزلت شغلی مردان - همبستگی این متغیر با دموکراتیک بودن خانواده به میزان 0/29 است. جهت رابطه مثبت، شدت رابطه ضعیف و در سطح معنی‌دار است. این همبستگی نشان می‌دهد که منزلت شغلی مرد موجب افزایش دموکراتیک در خانواده شده‌است. از آنجا که منزلت شغلی بالا میزان وادار مرتبط است، این امر تا حدودی منطقی است.

8- منزلت شغلی زنان - همبستگی این متغیر با دموکراتیک بودن خانواده 0/10 است. شدت رابطه ضعیف است و به لحاظ آماری معنی‌دار نیست.

9- درآمد مردان - همبستگی این متغیر با دموکراتیک بودن خانواده 0/25 است. جهت رابطه مثبت و شدت رابطه متوسط است. به عبارتی، با افزایش درآمد میزان دموکراتیک بودن خانواده افزایش می‌یابد. با کنترل متغیرهای نظیر میزان تحصیلات، منزلت شغلی مرد و به تبع آن سطح تحصیلات زن، میزان همبستگی جزئی (خالص) بین درآمد و دموکراتیک بودن خانواده به 0/18 می‌رسد. همبستگی جزئی بین این دو متغیر نشان می‌دهد که بخش زیادی از این رابطه با متغیرهای دیگر ارتباط داشته که همبسته با میزان درآمد مرد بوده‌است.

10- اشتغال زنان - بین اشتغال زنان و دموکراتیک بودن خانواده تفاوت وجود دارد و این تفاوت به لحاظ آماری معنی‌دار است. به عبارتی، زنانی که شاغل اند به نسبت زنانی که شاغل نیستند ساخت قدرت در خانواده‌شان دموکراتیک تر است. اشتغال زنان به عنوان یک منبع ارزش‌مند در میزان دموکراتیک بودن خانواده مؤثر است.
جدول ۱۴- رابطه‌ی بین استغلال زنان و دموکراتیک بودن خانواده

<table>
<thead>
<tr>
<th>معنی داری</th>
<th>Eta</th>
<th>F</th>
<th>میانگین</th>
<th>تعداد</th>
<th>طبقات</th>
<th>متغير مستقل</th>
<th>متغير واپسِنه</th>
<th>دموکراتیک بودن</th>
<th>استغلال زن</th>
<th>خانواده</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>۰/۰۱</td>
<td>۲/۰۶</td>
<td>۴/۳۸</td>
<td>۳/۰۸</td>
<td>۱۷۳۴</td>
<td>۳۸۷</td>
<td>بله</td>
<td>خیر</td>
<td>بله</td>
<td>۳/۴۹</td>
<td>۳/۰۵</td>
</tr>
</tbody>
</table>

۱۱- مالکیت منزل بین مالکیت منزل و میزان دموکراتیک بودن خانواده تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به عبارتی، چنان‌چه محل سکونت متعلق به زن یا مرد باشد با دموکراتیک بودن خانواده ارتباطی ندارد.

۱۲- بعد خانواده میزان همبستگی این متغیر و دموکراتیک بودن خانواده ۲۳۳/۰/۰ است. جهت رابطه معکوس، شدت رابطه ضعیف و در سطح ۰/۰/۰ = P معنی دار است. به عبارتی، خانواده‌هایی که تعداد اعضای بیشتری دارند، ساخت قدرت کمتر صبیحه دموکراتیک دارد. البته علی این امر به همبستگی بعد خانواده با میزان تحصیلات و دلی دارد. به عبارتی، در خانواده‌های با میزان تحصیلات بالا، بعد خانواده کمتر است و صبیحه دموکراتیک بودن این خانواده‌ها بالا می‌باشد.

۱۳- مدت ازدواج میزان همبستگی این متغیر با دموکراتیک بودن خانواده ۰/۰۹/۰ است. جهت رابطه معکوس و شدت رابطه ناجی است. این رابطه به لحاظ آماری معنی‌دار نیست.

۱۴- فاصله‌ی سنی زن و شوهر میزان همبستگی این متغیر با دموکراتیک بودن خانواده ۰/۰۹/۰ است. جهت رابطه معکوس و شدت رابطه ناجی است. این رابطه به لحاظ آماری معنی‌دار نیست.

۱۵- نوع خانواده بین نوع خانواده و میزان دموکراتیک بودن خانواده تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. به عبارتی، وضعیت زندگی خانواده به لحاظ نومکانی با پدیده‌ای تاثیری در دموکراتیک بودن آن ندارد.

۱۶- منطقه‌ی زندگی بین محل سکونت پاسخگویان و دموکراتیک بودن خانواده تفاوتی معنی‌دار وجود ندارد. به عبارتی، در خانواده‌هایی که بهترین در
مناطق ۳ و ۴ زندگی می‌کنند، به نسبت منطقه ۱۶، ساخت قدرت صنعتی
دموکراتیک‌تری دارد.

۱۷ - یک مدت اقامت در تهران - میزان همبستگی این متغیر با دموکراتیک
پدیده‌ای آماری ۰/۷ است. این رابطه ناجی و به لحاظ آماری معنی‌دار نیست.

تحلیل مسیر

نمودار مسیر و سیله‌نی‌ای است. سودمند برای نمایش الگوی روابط علی‌الدى
میان مجموعه‌ای از متغیرها. از آنجا که تحلیل مسیر با رگرسیون خطی
هم‌خوانده است، دارای مفروضات نسبتاً مشترکی هم هستند. اما برای تحلیل
مسیر چند نکته قبل ذکر است:

۱ - روابط بین متغیرهای موجود در نمودار مسیر خطی است.
۲ - جریان علت در دستگاه یک‌طرفه است.
۳ - سطح سنجش متغیرها در مقياس فاصله‌ای فرض شده است.
۴ - ضرایب مسیر، همیاً وزن بتا است.

لازم به ذکر است که در تحلیل رگرسیون نمودار مسیر مدل حاضر،
روش گام به گام 3 به کار رفته است. در این روش، متغیرها به ترتیب بیشترین
مقدار واریانس با متغیر وابسته وارد مدل می‌شود، ولی با ورود ۴ هر متغیر
جدید، همه متغیرهای موجود در معادله بررسی می‌شود، و هر کدام از ۴ که
سطح معنی‌داری کوچک با دست داده‌اند، قابل از ورود متغیر جدید از معادله
خارج می‌شود. در پایان عملیات، هیچ متغیری با سطح معنی‌داری کوچک از
سطح تعیین‌شده (۰/۰۵) در معادله حضور نخواهد داشت. بر اساس این روش،
بسیاری از متغیرهای پژوهش مورد پاسخگویی و تعیین و تقلیل قرار گرفت.

نمودار ۴ مدل ارتباط منطقی متغیرها را در نمودار مسیر نشان می‌دهد.

1. Path coefficient
2. Beta weight
3. Stepwise
در این مدل، ساخت دموکراتیک خانواده تابعی است از متغیرهای درون‌مدل به عبارتی، میزان تأثیر مستقیم هر کدام از متغیرها بر روی ساخت دموکراتیک خانواده ارائه شده است. تصور اقتدارگرای شوهر نسبت به همسر بالاترین سهم را در دموکراتیک بودن خانواده دارد، میزان تأثیر این متغیر 0.61 است. افزایش میزان این تصور، موجب کاهش دموکراتیک شدن خانواده می‌شود. سطح تحقیقات زن، در مربوطه دوم تبیین قرار دارد و میزان تأثیر آن بر دموکراتیک شدن خانواده 0.32 است. به بیان دیگر، با افزایش سطح سودان زن، خانواده بیشتر به سوی دموکراتیک شدن حركت می‌کند. تصور فرمانبرانه زن از نقش خود، با تأثیر 0.19 در مربوطه سوم رابطه قرار دارد. هر کسر زن تصور فرمانبرانه‌تری از نقش خود در مقابل شوهر داشته باشد، ساخت قدرت در خانواده کمتر دموکراتیک می‌باشد. سرانجام، متنگر مشارکت و حضور فعال زن در انتخاب همسر در مرتبتی چهارم این توضیح قرار دارد و میزان تأثیر آن 0.14 است. به عبارتی، زنانی

1. Endogenous variables
که در انتخاب همسر نقش فعال تری داشته‌اند در خانه‌ی شهوت ساخت قدرت دموکراتیک تر بوده‌اند.

تصویر اقتدارگرای شهوت نسبت به همسر، تابعی است از میزان تحصیلات زن و تصویر فرمانبردی زن از شهوت و میزان تأثیر مستقیم هر یک به‌ترتیب ۰/۷۱ و ۰/۳۴ بوده است. به عبارتی، از سوی پی‌اف‌آی سطح تحصیلات زنان، تصویر اقتدارگرای شهوت نسبت به زن کاهش می‌یابد و از سوی دیگر تصویر فرمانبردی زن از شهوت موجب تصویر اقتدارگرای شهوت نسبت به همسر می‌شود.

نهاپتای بايد گفت ۷۵درصد از واریانس متغیر وابسته (R²)، توسط متغیرهای درون مدل توضیح داده‌شد و ۴۳درصد آن به توضیح مانده‌است. به عبارتی، ۳۴درصد ناشی از متغیرهای بیرونی ۱ می‌باشد که خارج از مدل است.

در پایان، قابل ذکر است در بخش پیوست، ماتریس ضرایب همبستگی دوبعدی متغیرها، میانگین‌ها، انحراف میانگین و حجم نمونه گزارش شد است. هدف از اطلاعات مذکور، فراهم‌آوری شرایط هر تحلیل رگرسیون چندمتغیری خطي می‌باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

ساختار توزیع قدرت، نقش بسیار مهمی در تعاملات میان اعضای خانواده دارد. کم و گریزی ساخت قدرت در خانواده در جامعه‌پذیری و تغییرات شخصیت فرزندان، عزیمت اعضای انسجام خانواده و حتا در خوشبختی زناشویی است. بر اساس نتایج بدست‌آمده از یافته‌های این پژوهش، ۵/۷۳درصد خانواده‌های تهرانی ساخت دموکراتیک دارند؛ ۳۹درصد، تا حدی دارای ساخت دموکراتیک است و در ۲۳/۵۲درصد خانواده‌ها ساخت غیردموکراتیک حاکم است.

عوامل نظری تصویر اقتدارگرای شهوت نسبت به همسر، تصویر زن از نقش فرمانبردی خود، مشارکت زن در انتخاب همسر خود و سطح تحصیلات

1. Exogenous variables
زنان، نقش بسیار مهمی را در کم و چیز ساخت دموکراتیک خانواده بر عهده دارند. به عبارتی، می‌توان گفت از میان متغیرهای مستقل تحقیق، بیشترین سهم در توضیح تغییرات ساختار توزیع قدرت در خانواده، به جامعه‌بدیعی و شکل‌گیری تصورات هر یک از زن و شوهر در ارتباط با نقش فرماندهی فرمانبری برمی‌گردد.

با وجود این که الگوی قدرت تصمیم‌گیری در رفتار سنتی جامعه ما پدرمحوری می‌باشد، لیکن به نظر می‌رسد اشتغال و افزایش سوابق زنان موجب تغییر هرم قدرت مردان شده، به نحوی که مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های امور اساسی خانواده مانند انتخاب مسکن، چه نوعی هزینه شدن بودجه خانواده و ... بیشتر گسترش می‌یابد. تا جایی که در خانواده‌ها می‌توان برای مدلی نسبی میان قدرت زن و شوهر مشاهده کرد. لذا پرسیدن اساسی را این طور می‌توان بیان کرد: دموکراتیزه یا غیردموکراتیزه شدن ساخت قدرت در خانواده، چه پی‌آمدهایی خواهد داشت؟ براساس یافته‌های محققین دیگر، صبیحه دموکراتیک و غیردموکراتیک بودن رهبری (قدرت) در خانواده، بر کم و کافی رضایت و ثبات خانواده اثر می‌گذارد. اکنون چه گونه می‌توان ساخت قدرت را در خانواده دموکراتیزه نمو؟

برای این که خانواده‌ها دموکراتیزت شوند، تصویر اقتدارگرای مردان از نقش همسر بسیار حائز اهمیت است. به عبارتی، نظرات نوعی بارزسازی و تطبیق تصویر اقتدارگرای مردان احساس می‌شود. به عبارتی، دارا بودن حق انتخاب برای اعضای خانواده ضروری است. این امر، موجب کم‌ترگنج‌شدن شیوه‌های غیردموکراتیک در خانواده خواهد شد.

تصمیم‌گیری بر پایه مشترکت و متقاوضه‌ای، می‌تواند عاملی مهم در شکل‌گیری شخصیت فرزندان و رشد پایه‌های دموکراسی در خانواده باشد. خانواده می‌تواند بستری مناسب در شکل‌گیری رشد عاطفی و عقلی اعضای خانواده می‌باشد. به عبارتی، می‌توان سوال کرد اگر محوور تصمیم‌گیری‌ها در خانواده فقط یک نفر باشد و هیچ یک از اعضای حق مشترکت و حق
انتخاب نداشتیباشد و اساس تصمیم‌ها، یکجانبه و بر پایه اجبار باشد، ما چه شخصیت‌هایی در فرآیند جامعه‌پیژندی خواهیم داشت؟ دموکراتیک شدن خانواده یک فرآیند است و در یک لحظه شامل هرگز در زندگی جرأت نداشته در مورد کوچک‌ترین مسئله شخصی اظهار نظر کند، فضایی بزرگ‌تر دموکراتیک را در خانواده همان چه قبل این فضای استبادی‌ای، از این رو، دموکراتیک بودن خانواده، تنه به زمان تشکیل خانواده به نمی‌گردد، بلکه به سیر جامعه‌پیژندی دموکراتیک یا استبادی‌یابی از اول زندگی را ادامه داده، نباید این جامعه، آموزش و پرورش و خانواده اولیه و فرد بیشتر در قبال دموکراتیک یا استبادی‌های شدن خانواده‌های فقیر فرد مسئول اند و با پیروهای اصلی و مهم برای دمکراتیک‌تر شدن خانواده‌ها در این حوزه‌ها صرف و می‌دلند شود.

آنچنان که نتایج نشان می‌دهد، زنای نمی‌پذیرند که زن باسیسی فرمان‌بر و مطیع، و مرد، آمر و حاکم باشد. این مسئله تضاد بین خوب و باورهای سختی جامعه، به معنای فرمان بر مطلق زن از یک سو و مخالفت زنان با این تصور را از سوی دیگر نشان می‌دهد. این که مخالفت زنان با این مسئله امروز درست یا نادرست، یا برخاسته از کجاست، مسئله‌ای دیگر است، اما اگر جامعه همچنان بر پدیداه‌ستی از نقش زنان (به معنای اطاعت محضی) اصرار بورزد و زنان نیز همچنان با این خوایش مخالفت بورزند، در خانواده‌ها بین زن و شوهر تشیع ایجاد خیال‌نشده. گرچه این تنش ممکن است در وجه مختلفی از روی راهنما، اما اگر به تضاد متقابل نشود مسلمایی در وجه فروردی به بیماری‌های روتو و افسردگی زنان، و در وجه اجتماعی به ناراضیتی و عدم احساس خوش‌بینی از سوی زن خواهد‌انجامید. احیا‌یام پایه گفت اگر تصور سختی از نقش زن کارکرد خود را از دست داده‌است، چه اصراری بر ابقا و ایفای آن راجع است؟ آیا در باورهای سنتی و فرهنگ خودی، برداشت‌های مشارکت‌جویانه از نقش زن وجود ندارد؟ اگر وجود دارد چرا از این متعاب برای تقویت و استحکام و هر چه دموکراتیک‌تر شدن خانواده‌ها استفاده نکنیم؟
بردشت‌های مثبت از نقش زن، همچون "زن و مرد نیمه کامل یکدیگر"، "شیرک زنده" و همچنین شخصیت دادن به زن، از عواملی است که می‌تواند در آینده به دموکراتیک‌تری شدن خانواده کمک کند.

نتایج نشان می‌دهد که متغیرهای تصور مرد از نقش زن و همچنین تصور زن از نقش خود، بیشترین تأثیر را بر کم و کیف دموکراتیک بودن خانواده داشته است. این امر بدان معنا است که باورهای فرهنگی که از طریق جامعه‌پذیری به‌وسیله خانواده‌ها به افراد منتقل می‌شود، بعداً به طور ناخواسته‌ای منجر به استبدادی یا دموکراتیک شدن ساختار خانواده‌های آینده خواهد شد. محو عقاید قالیبی، به معنای خانواده به عنوان محلی برای حکم‌رانی مرد و امربری سایر اعضا، یا نداشتن حق اظهار نظر زنان در امور خانواده، هنگامی رخ خواهد داد که در خانواده‌ها عملاً از کودکان (دختران) به‌ویژه که در مورد سرنشست‌شان اظهار نظر کنند، یا اساساً خانواده از نوعی باشد که فرزندان عملای شاهد دموکراتیک بودن خانواده‌ی خود باشند، یعنی مشاوره و هم‌فکری والدین را به چشم خود بیانند. در آن صورت، در مسیر شکل‌گیری شخصیت کودکان، هم‌فکری و مفاهمه به امری درونی بدل خواهد شد و افراد از زور و سلطه برای پیش بردن احكام و اهداف خود استفاده نخواهند کرد.


پویست ۱- راهنمای متغیرهای تحقیق

<table>
<thead>
<tr>
<th>ورودی تغییر</th>
<th>نظام کدنده</th>
<th>برحسب متغیر</th>
<th>توضیحات</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>۱</td>
<td>کد بالا پنجره بایلایی متغیر است.</td>
<td>x₁</td>
<td>ساخت دموکراتیک خانواده</td>
</tr>
<tr>
<td>۵</td>
<td>کد بالا پنجره بایلایی متغیر است.</td>
<td>x₂</td>
<td>میزان تاریکی روابط از شوهر به همسر</td>
</tr>
<tr>
<td>۱</td>
<td>کد بالا پنجره بایلایی متغیر است.</td>
<td>x₃</td>
<td>میزان ماجراجویی شوهر در تصمیم‌گیری ها</td>
</tr>
<tr>
<td>۱</td>
<td>کد بالا پنجره بایلایی متغیر است.</td>
<td>x₄</td>
<td>میزان برخورداری در تصمیم‌گیری ها</td>
</tr>
<tr>
<td>۵</td>
<td>کد بالا پنجره بایلایی متغیر است.</td>
<td>x₅</td>
<td>تصور افتراق گزای شوهر نسبت به همسر</td>
</tr>
<tr>
<td>۱</td>
<td>کد بالا پنجره بایلایی متغیر است.</td>
<td>x₆</td>
<td>تصور زن از نقش فرمانبرانه خود</td>
</tr>
<tr>
<td>۷</td>
<td>کد بالا پنجره بایلایی متغیر است.</td>
<td>x₇</td>
<td>میزان مسئولیت زن در امور خانه</td>
</tr>
<tr>
<td>۲</td>
<td>کد بالا پنجره بایلایی متغیر است.</td>
<td>x₈</td>
<td>میزان مشترک زن در کارهای خانه (ساعت)</td>
</tr>
<tr>
<td>۲۴</td>
<td>کد بالا پنجره بایلایی متغیر است.</td>
<td>x₉</td>
<td>نسبت مشترک مرد به زن در کارهای خانه</td>
</tr>
<tr>
<td>۲۴</td>
<td>کد بالا پنجره بایلایی متغیر است.</td>
<td>x₁₀</td>
<td>میزان تحصیلات والدین</td>
</tr>
<tr>
<td>۲۴</td>
<td>کد بالا پنجره بایلایی متغیر است.</td>
<td>x₁₁</td>
<td>میزان تحصیلات شوهر</td>
</tr>
<tr>
<td>۲۰</td>
<td>کد بالا پنجره بایلایی متغیر است.</td>
<td>x₁₂</td>
<td>میزان تحصیلات زن</td>
</tr>
<tr>
<td>۱</td>
<td>۱: بالا; ۲: وسط; ۳: نیکه شهر</td>
<td>x₁₃</td>
<td>محل سکونت خانواده</td>
</tr>
<tr>
<td>۴</td>
<td>کد بالا پنجره بایلایی متغیر است.</td>
<td>x₁₄</td>
<td>میزان مشترک زن در انتخاب همسر</td>
</tr>
<tr>
<td>۵</td>
<td>کد بالا پنجره بایلایی متغیر است.</td>
<td>x₁₅</td>
<td>بیشتر افتخار شوهر</td>
</tr>
<tr>
<td>۷۰</td>
<td>کد بالا پنجره بایلایی متغیر است.</td>
<td>x₁₆</td>
<td>مدت اقامت در تهران</td>
</tr>
<tr>
<td>۸</td>
<td>۱: شاغل ۲: فعال شغل</td>
<td>x₁₇</td>
<td>-</td>
</tr>
<tr>
<td>۷۸</td>
<td>کد بالا پنجره بایلایی متغیر است.</td>
<td>x₁₈</td>
<td>منزلش نیکی</td>
</tr>
<tr>
<td>۱۲۵۰۰۰۰</td>
<td>کد بالا پنجره بایلایی متغیر است.</td>
<td>x₁₉</td>
<td>درآمدهای زن</td>
</tr>
<tr>
<td>۸</td>
<td>کد بالا پنجره بایلایی متغیر است.</td>
<td>x₂₀</td>
<td>منزلش نیکی</td>
</tr>
<tr>
<td>۶۸</td>
<td>کد بالا پنجره بایلایی متغیر است.</td>
<td>x₂₁</td>
<td>درآمدهای شوهر</td>
</tr>
<tr>
<td>۶۶۰۰۰۰</td>
<td>کد بالا پنجره بایلایی متغیر است.</td>
<td>x₂₂</td>
<td>مشترک زن در هزینه‌های زندگی</td>
</tr>
<tr>
<td>۲</td>
<td>۱: الدام ۲: نادرد</td>
<td>x₂₃</td>
<td>-</td>
</tr>
<tr>
<td>۱۴</td>
<td>کد بالا پنجره بایلایی متغیر است.</td>
<td>x₂₄</td>
<td>مدت آزمایش</td>
</tr>
<tr>
<td>۲</td>
<td>کد بالا پنجره بایلایی متغیر است.</td>
<td>x₂₅</td>
<td>بعد خانواده</td>
</tr>
<tr>
<td>۱۱</td>
<td>کد بالا پنجره بایلایی متغیر است.</td>
<td>x₂₆</td>
<td>سن زن</td>
</tr>
<tr>
<td>۷۸</td>
<td>کد بالا پنجره بایلایی متغیر است.</td>
<td>x₂₇</td>
<td>سن شوهر</td>
</tr>
<tr>
<td>۴۱</td>
<td>کد بالا پنجره بایلایی متغیر است.</td>
<td>x₂₈</td>
<td>فاصله سنی زن و شوهر</td>
</tr>
</tbody>
</table>
پیش‌بینی ۲: ماتریس ضرایب همبستگی دو داده، میانگین و انحراف معیار
متغیرهای تحقیق

<table>
<thead>
<tr>
<th>متغیر</th>
<th>X1</th>
<th>X2</th>
<th>X3</th>
<th>X4</th>
<th>X5</th>
<th>X6</th>
<th>X7</th>
<th>X8</th>
<th>X9</th>
<th>X10</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>تعداد</td>
<td>100</td>
<td>100</td>
<td>100</td>
<td>100</td>
<td>100</td>
<td>100</td>
<td>100</td>
<td>100</td>
<td>100</td>
<td>100</td>
</tr>
<tr>
<td>میانگین</td>
<td>10</td>
<td>20</td>
<td>30</td>
<td>40</td>
<td>50</td>
<td>60</td>
<td>70</td>
<td>80</td>
<td>90</td>
<td>100</td>
</tr>
<tr>
<td>انحراف معیار</td>
<td>5</td>
<td>10</td>
<td>15</td>
<td>20</td>
<td>25</td>
<td>30</td>
<td>35</td>
<td>40</td>
<td>45</td>
<td>50</td>
</tr>
</tbody>
</table>

**نکته:**
- X1: متغیر اول
- X2: متغیر دوم
- X3: متغیر سوم
- X4: متغیر چهارم
- X5: متغیر پنجم
- X6: متغیر ششم
- X7: متغیر هفتم
- X8: متغیر نهم
- X9: متغیر نهم
- X10: متغیر دهم